

افسانه‌های ملل ۱۲

---

# افسانه‌های مردم مصر

به روایت راجر لنسلین گرین  
ترجمه ابراهیم اقلیدی



کتابهای کیمیا

این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Tales of Ancient Egypt*  
Selected and retold by Roger Lancelyn Green  
Puffin Books



کتابهای کیمیا (وابسته به انتشارات هرمس): تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک،  
شماره ۱۳۳۷ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۲

افسانه‌های مردم مصر  
به روایت راجر لانسلین گرین  
ترجمه: ابراهیم اقلیدی  
طرح جلد: واحد گرافیک هرمس  
چاپ دوم: ۱۳۸۶  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: معراج  
همه حقوق محفوظ است.

|                                                                                                      |                         |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------|
| گرین، راجر لانسلین.                                                                                  | Green, Roger Lancelyn   |
| افسانه‌های مردم مصر / به روایت راجر لانسلین گرین؛ ترجمه ابراهیم اقلیدی. - تهران: هرمس (کیمیا)، ۱۳۸۲. |                         |
| شش + ۲۲۶ ص.: مصور.                                                                                   |                         |
| فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).                                        |                         |
| عنوان اصلی:                                                                                          | Tales of ancient Egypt. |
| چاپ دوم.                                                                                             |                         |
| ۱. افسانه‌ها و قصه‌های مصری. الف. اقلیدی، ابراهیم، ۱۳۳۷.                                             |                         |
| مترجم، ب. عنوان.                                                                                     |                         |
| ۱۷ اگ/گ GR۲۵۵/                                                                                       | ۲۹۸/۲۰۹۲۲               |
| ۱۳۸۲                                                                                                 | ۸۱-۱۹۷۰۰                |

## فهرست

|    |                      |
|----|----------------------|
| ۱  | پیشگفتار: سرزمین مصر |
|    | قصه‌های خدایان       |
| ۱۵ | رع و فرزندانش        |
| ۲۲ | ایزیس و اوزیریس      |
| ۳۹ | هوروس خونخواه        |
| ۵۵ | خنموی نیل            |
| ۶۳ | ملکه بزرگ هت شمسوت   |
| ۷۰ | شاهزاده ابوالهول     |
| ۷۷ | شاهدخت و دیو         |

## قصه‌های جادو

|     |                             |
|-----|-----------------------------|
| ۸۹  | نیلوفر طلایی                |
| ۹۶  | تنای جادوگر                 |
| ۱۰۴ | کتاب تهوت                   |
| ۱۲۱ | س - اوزیریس و تامة سربه مهر |
| ۱۳۲ | سرزمین مردگان               |
| ۱۴۱ | داستان دو برادر             |

## داستانهای ماجراجویی

|     |                            |
|-----|----------------------------|
| ۱۵۷ | داستان دریانورد کشتی شکسته |
|-----|----------------------------|

|     |       |                         |
|-----|-------|-------------------------|
| ۱۶۵ | ..... | ماجرای سینوهه           |
| ۱۷۶ | ..... | دهقان و کارگر           |
| ۱۸۴ | ..... | گرفتن جویا              |
| ۱۹۲ | ..... | داستان شاهدخت یونانی    |
| ۲۱۰ | ..... | دزد خزانه               |
| ۲۱۹ | ..... | دختری با سرپایه‌های گلی |
| ۲۲۵ | ..... | نمودار زمانی            |

## پیشگفتار: سرزمین مصر

مصر پیوسته سرزمینی پر از راز و جادو، متفاوت با همه کشورهای، پرت افتاده، بیگانه و دشواریاب و در عین حال به نحوی غریب جذاب بوده است. مصر خودکفایت‌ترین کشور دنیای باستان بود که به شیوه خود زندگی می‌کرد، رسوم و آیین مذهبی خود را به جا می‌آورد و قصه‌های خود را بی تأثیرپذیری و از تأثیرگذاری بر تمدنهای دیگر می‌ساخت.

وقتی یونانیان عصر باستان در حدود ۵۰۰ ق. م این سرزمین را کشف و نوشتن درباره آن را آغاز کردند، تمدن مصری در حال رسیدن به پایان حیات سه هزار ساله خود بود. هرودوت<sup>۱</sup>، اولین تاریخ‌نگار یونانی، که آثارش به جا مانده است در حدود ۴۵۰ ق. م از این کشور دیدن کرد و دریافت که کاهنان هنوز می‌توانند هیروگلیفهای قدیمی‌ای را بخوانند که بر آنها مطالبی درباره بناهای تاریخی از دورانی که منس<sup>۲</sup>، نخستین فرعون تاریخی یا بعد از تاریخ، «دو سرزمین» را در حدود ۳۲۰۰ ق. م متحد کرد، کنده یا نوشته شده است.

با وجود این، اسطوره‌ها و داستانهایی که مردم در آن زمان می‌گفتند در سراسر این سی قرن یا در طی بیشتر آنها دست به دست شده بی‌آنکه چندان تغییری به خود بپذیرد. پس از عصر هرودوت، مصر باستان تقریباً به صورتی ساختگی توسط کشورگشایان یونانی - اسکندر کبیر و جانشینان او که با عنوان کلی بطلمیوسیان خوانده

می‌شوند - اداره می‌شد. این کشور در دوران رومیان راه زوال پیمود و در هجوم اشغالگران تازی (۶۳۹-۶۴۶ ق. م) به طور کامل لگدکوب سم ستوران گردید. تنها در صد و پنجاه سال گذشته، زمانی که هیروگلیفها ترجمه شد، زبان باستانی برگردانده شد و مقبره‌ها، معبد‌ها و هرم‌ها کاوش و نگهداری شدند، سرزمین باستانی دوباره کشف گردید.

شرایط و وضعیت طبیعی هر سرزمین غالباً تا حد زیادی در پدید آمدن باورهای دینی، شکل تمدن و داستانهای مندرج در نوشته‌های آن نقش دارد. یکنواختی ملال‌انگیز و بی‌روح گِل در جلگه‌های خاورمیانه که در هر سو تا افق گسترده است دین پرهیبت و هراس بر خاسته از یامسی ناگزیر را به بابلیان داد؛ زیبایی نفس‌گیر کوهساران، دره‌ها و خورهای دریا در روشنائی باشکوه یونان اسطوره‌ها و داستانهای جاوید آن سرزمین دل‌انگیز را پدید آورد و سرمای گزنده و همدمی با زمستان سخت تقدیرگرایی پهلوانی شادمانه ساگاها<sup>۱</sup> را به نیاکان نروژی ما ارزانی داشت.

به تصور درآوردن مصر حتی به یاری اسطوره‌ها و داستانهای آن برای کسی که آنجا را ندیده است از به تصور درآوردن هر کشور دیگری مشکلتر است. هکاتیوس<sup>۲</sup>، تاریخ‌نگار یونانی، می‌نویسد: «مصر موهبت نیل است.» اما نیل به راستی خود مصر است. صرف‌نظر از دلتای حاصلخیز شمال، یعنی مثلثی از خشکی و خاک سبز و کم‌ارتفاع که هر یک از ابعاد آن به سختی به ۲۴۰ کیلومتر می‌رسد، مصر سر تا سر جلگه باریک نیل یعنی گسلی است در بیابانی که صدها کیلومتر - و اگر آن را از سودان تا اتیوپی دنبال کنیم بیش از هزار کیلومتر - ادامه دارد. رودیارد کیپلینگ<sup>۳</sup> پنجاه سال پیش<sup>۴</sup> در اولین دیدار خود از مصر

1. Sagas

2. Hecattius

3. Rudyard Kipling

۴. با توجه به سال انتشار کتاب که ۱۹۶۷ است، کیپلینگ باید بیش از ۸۰ سال پیش از

مصر دیدن کرده باشد. - م.

نوشت: «رفتن به نیل مثل درافتادن با ابدیت است. تا وقتی که کسی آنجا را ندیده باشد از نازک‌آوایی حیرت‌انگیز آن آب‌باریکه حیات که بی‌شکست سر خود را از میان آوارده‌های مستحکم مرگ می‌دزد و پیش می‌رود چیزی سر در نمی‌آورد. شلیک یک گلوله وسیع‌ترین محدوده‌های کشت و زرع را فرامی‌گیرد و پرها کردن تیری از کمان محدوده باریکتری را ... آوار بیابان هر روز و هر ساعت بر دوش آدم سنگینی می‌کند.»

اگر کسی از هر سمت رودخانه نیل جز از سمت دلتا دورتر می‌رفت و ناگهان به آب نیاز پیدا می‌کرد، پیش از آنکه بتواند پیاده برای نوشیدن آب برگردد از تشنگی می‌مرد. حدود ۵ هزار کیلومتر از سمت غرب و تقریباً نصف این مسافت از سمت شرق (حتی آن سوتر از دریای سرخ) بیابان برهوت است.

علاوه بر این در خود مصر زندگی به طغیان سالانه و بالا آمدن آب نیل در نتیجه باران سنگینی که هزاران کیلومتر آن سوتر در حبشه می‌بارید بستگی داشت که هم جلگه و هم بیشتر دلتا را از ژوئن تا اکتبر هر سال در خود غرق می‌کرد و کود آبرفتی ضخیمی به صورت گل و لای باقی می‌نهاد که محصولاتی از همه نوع غله، سبزی و میوه‌هایی مانند انگور، لیمو و خرما در آن به نحوی حیرت‌انگیز به فراوانی می‌روید و به بار می‌نشست.

اگر طغیان نیل خیلی کم می‌شد، مصر دچار قحط و غلامی گشت و اگر چندین خشکسالی در یک دوره، پی در پی رخ می‌داد و فرعون یوسفی نداشت تا در سالهای فراوانی برای چنین روزهای سختی غله ذخیره کند، بسیاری از گرسنگی جان می‌دادند.

مصریان باستان که بدین‌سان همواره مرگ را نزدیک خود می‌دیدند، در پرداختن به مرگ و البته نه مرگی که زندگی‌شان را با خود به بیراهه برد، وسواس می‌ورزیدند. مصر سرزمینی بسیار زیبا و منحصر به فرد

است: رودخانه زیر تابش آفتاب تند برق می‌زند؛ بیشه‌های نخل و گز سبز هر ساله مدت زمانی با انبوه شکوفه‌های سفید و رخشان سایه می‌افکنند؛ صخره‌های حاشیه بیابان - به خصوص صخره‌های پشت پیس غربی - به رنگهایی که به صورتی توصیف‌ناپذیر دل‌انگیزند در سپیده‌دمان و شامگاهان برق می‌زنند، می‌درخشند و رنگ می‌بازند و در سرمای ناگهانی شب ستاره‌ها با درخششی خارق‌العاده در آسمانی که مانند مخمل سیاه است، می‌تابند.

رع<sup>۱</sup> یا آمن-رع<sup>۲</sup>، خدای خورشید، اولین و مهمترین خدای مصر بود. رودخانه نیل خدای دوم بود که گاه به عنوان خنمو<sup>۳</sup>، اما معمولاً به عنوان جزئی از اصل حیات و تکثیر که در وجود ایزیس<sup>۴</sup> الهه تجلی می‌یافت، پرستش می‌گردید.

اما اوزیریس<sup>۵</sup>، خدای عالم مردگان، برادر و شوهر ایزیس و بزرگتر از همه خدایان بود. زیرا هنگامی که او، نخستین فرعون انسانی مصر، به صورت فرعون ابدی بازگردد، تمامی مردگان به زمین برمی‌گردند.

از آنجا که اوزیریس فرعون انسانی بود که خدا شد، بنابراین هر فرعون یک خدای روی زمین انگاشته می‌شد که در دوئت<sup>۶</sup>، مقر فرمانروایی اوزیریس، خدای آسمانی می‌گشت. از این رو از قدیمترین ایام مقبره‌های فرعونان و پرستشگاههای مردگان مومیایی شده که این خدایان در آنها بزرگ داشته می‌شدند از مقاومترین سنگهای آن زمان ساخته می‌شد. کنده‌کاری‌ها، نقاشیها و نوشته‌هایی از آن همه هزاره‌های پیش بازمانده است تا سرگذشتها، باورها، اسطوره‌ها و داستانها را برای ما بازگوید. خانه‌ها و کاخهایی که برای دوره کوتاه عمر آدمی، از خشتهای گلی ساخته می‌شد تقریباً همه از میان رفته است.

1. Ra

2. Amen-Ra

3. Khnemu

4. Isis

5. Osiris

6. Duat



اما اهرام و معابد و مقابر سنگی برای ابد ساخته می‌شد و هنوز همین‌ها از قدیمیترین و همچنین باشکوه‌ترین و عظیمترین یادگارهای عصر کهن است.

پایان هر داستان در مصر باستان مثل پایان عمر هر کس، تشییع جنازه موقرانه و سنگینی به سوی قبر سنگی تراشیده‌شده در حاشیه بیابان غربی نیل بود. در آنجا، پس از انجام مراسم بسیار جسد برای آرمیدن در مکانی امن نهاده می‌شد تا روزی که اوزیریس به زمین بازگردد و ارواح مردگان نیز با او بازگردند و دوباره در بدنهایی که آشیان خاکی‌شان بود ساکن شوند و تا ابد در قلمرو خاکی نامیرایی سکنی گزینند. هرچند تمام مصریان بیشترین هم خود را صرف ساختن مقبره‌های زیبا برای خود می‌کردند و فرزندان آنها هم پیوسته سعی می‌کردند جسد پدر و مادرشان را به شایستگی در این مقبره‌ها کفن و دفن و نگهداری کنند، اما طبعاً تنها فراغت از افتخار داشتن زیباترین و ماندنی‌ترین آرامگاه‌ها بهره‌مند بودند.

فرعونان سلسله‌های نخستین مانند زوسر<sup>۱</sup>، خوفو<sup>۲</sup> و خفرع<sup>۳</sup> اهرام عظیمی برای خود ساختند که این یادگارهای آنها پنج هزار سال است که بر جا مانده است. فرعونهای بعدی مانند هت‌شپ‌سوت<sup>۴</sup>، رامسس<sup>۵</sup> بزرگ و ستی<sup>۶</sup> اول در دره پادشاهان و تبس غربی با خالی کردن صخره‌ها مقبره‌های سنگی وسیع و جاداری می‌ساختند که حجره در حجره و دهلیز در دهلیز صدها پا درون صخره پیش می‌رفت.

در دل هرم یا در عمیق‌ترین تالار صخره‌ای جسد فرعون در میان تابوتهای بسیار که درونی‌ترین آن از طلا و بیرونی‌ترین آن از سنگ خارای سی‌ین<sup>۷</sup> یعنی اسوان<sup>۸</sup> کنونی بود نهاده می‌شد. جواهرات

1. Zoser

2. Khufu

3. Khafra

4. Hatshepsut

5. Rameses

6. Seti

7. Syene

8. Aswan

بی‌شمار او و نیز برگزیدهٔ تمامی مایملک و دارایی‌اش از جمله ارابه، تاج، تخت، بادبزن و جعبهٔ عطرهای خوشبویش را با او دفن می‌کردند. همچنین پیکره‌های اوشابتی<sup>۱</sup> (تمثالهای کوچک مردان و زنان که تمامی کارهای این جهان از قبیل زراعت، ماهیگیری، بافندگی، آشپزی و پارو زنی کشتی سلطنتی را بر عهده داشتند) نیز با او دفن می‌شد، زیرا فرعون، پروردگار خوب، در جهان آینده عیناً مانند روی زمین زندگی می‌کرد و بایستی همهٔ چیزهایی را که به هنگام اقامت در مصر از آن او بود، به همراه می‌داشت.

روی دیوارهای دهلیزهای مقبره نه تنها صحنه‌هایی از این جهان بلکه صحنه‌هایی از جهان بعدی نقاشی شده بود تا شخص مقیم گور بداند که چه چیز در انتظار اوست و وقتی به غرب به دوئت، سرزمین مردگان، رفت تکلیف خود را بداند.

اینکه مصریان باستان چگونه به این خوبی پی برده بودند که در طول سفرشان به دوئت چه چیزهایی انتظار آنها را می‌کشد، کمتر کسی چیزی می‌داند. بی‌شک داستانهای جادوگران و دیگرانی که به آن دنیای عجیب سفر کردند و بازگشتند تا از آن سخن بگویند، وجود داشته است، اما جز یکی از آنها همه از دست رفته و همان هم که مانده بسیار جسته گریخته است. با این همه، چگونگی و ویژگیهای دوئت و محاکمه شدن در پیشگاه اوزیریس را می‌توان به کمک تصاویر و نوشته‌های مقبره‌ها و نیز طومارهایی از پاپیروس به نام کتاب مردگان<sup>۲</sup> دریافت. این طومارها در تابوت افرادی دفن شده است که توان مالی نداشتند تا درج دستورات کامل به صورت نقاشی را روی دیوارها سفارش بدهند.

از نخستین روزگاران که منس اولین فرعون مصر متحد گردید تا

1. Ushabti

2. The Book of the Dead

حدود زمانی که هرودوت و مسافران یونانی دیگر به صورت گردشگران علاقه‌مند به آنجا رفتند، مردم مصر باستان زندگی آرام و تقریباً بدون تغییر خود را می‌گذراندند. البته از خارج تاخت و تازهای اندکی به مصر می‌شد، مثلاً روزگاری مهاجمان اسرارآمیزی به نام هیکسوسها<sup>۱</sup> - برخی دانشمندان چنین تصور می‌کنند که آنها احتمالاً اسرائیلیان بوده‌اند - دلتا را گرفتند؛ دو‌یست سال پیش از آنکه هرودوت از مصر دیدن کند، مدتی آشوریان و سپس ایرانیان بر مصر استیلا یافتند. در زمان رامسس بزرگ (۱۲۲۴ - ۱۲۹۰ ق. م) امپراتوری مصر بخش اعظم فلسطین و سوریه را زیر فرمان داشت، اما یک سده بعد در دوره میسنایی<sup>۲</sup>، یونانیان دلتا را با موفقیت اشغال کردند.

با این همه، زندگی معمولی در مصر اندکی تغییر یافت. مردم زندگی ساده‌ای داشتند و معمولاً به طور نسبی مرفه و ثروتمند بودند، کشتزارهایشان را پس از طغیان نیل شانه می‌کشیدند و هر ساله طی چهار پنج ماهی که دره زیر آب بود و کشاورزی به تمامی متوقف می‌شد، هرما و معبدها و مقبره‌ها را می‌ساختند.

آنها اوقات فراغت نسبتاً خوبی داشتند که بخش مهمی از آن را صرف آیینهای دینی خود می‌کردند. اما زمانی را نیز برای آواز، رقص، موسیقی و قصه گفتن می‌گذاشتند. معمولاً این آوازا و قصه‌ها به صورت دهن به دهن و نه به صورت نوشته منتقل می‌شد. و در صورتی که در آنها مطالبی مربوط به خدایان می‌یافتند - که البته فراغه نیز جزو آنها بودند - آنها را در معبدها و پرستشگاهها کنده کاری می‌کردند. بنابراین از داستانهای این کتاب، شاهزاده و ابوالهول<sup>۳</sup> در هیروگلیفهایی که روی قطعه سنگی در معبدی بسیار کوچک در غزه بین پنجه‌های ابوالهول کبیر کنده شده، حفظ شده است؛ داستان ملکه

1. Hyksōs

2. Mycenaean

3. *The Prince and the Sphinx*

بزرگ هت‌شپ‌سوت<sup>۱</sup> را روی دیوارهای مقبره‌اش (دیرالبحری) در تبس غربی می‌توان خواند؛ داستان شاهزاده‌خانم و دیو<sup>۲</sup> بر لوحه‌ای از ماسه‌سنگ در مقبره تبس پیدا شد و اکنون در پاریس است و خنموی نیل<sup>۳</sup> روی صخره‌های الفاتینه<sup>۴</sup> کنده‌کاری شده است.

رع و فرزندانش<sup>۵</sup>، هوروس خونخواه<sup>۶</sup> و بسیاری از توصیفات سرزمین مردگان<sup>۷</sup> از سنگ‌نوشته‌ها و مکتوبات هرم زوسر، گورهای ستی اول و رامسس دوم و سوم، معبد هوروس در ادفو<sup>۸</sup>، کتاب مردگان و منابع پاپيروس دیگر به دست آمده‌اند. کتاب مردگان و دیگر منابع پاپيروسی را با کسانی دفن می‌کردند که از عهده سفارش «راهنمای سرزمین مردگان» به صورت کنده‌کاری یا نقاشی بر دیوارهای مقبره‌شان بر نمی‌آمدند.

منابع مشابه جزئیاتی از داستان اوزیریس را به دست می‌دهد، اما جریان از این قرار است که پلوتارک<sup>۹</sup> تاریخ‌نگار و پژوهشگر یونانی که در قرن نخست بعد از میلاد زندگی می‌کرد، تمامی داستان را در رساله خود در باب ایزیس و اوزیریس بازگفته است و نوشته‌های بسیار قدیمی در ابایداس<sup>۱۰</sup> و جاهای دیگر اعتبار آن را تأیید می‌کند.

بیشتر داستانهای جادویی و ماجراجویی طی دو هزار سال واپسین مصر باستان نوشته یا رونویس شده‌اند. نیلوفر آبی طلایی<sup>۱۱</sup> و تتای جادوگر<sup>۱۲</sup> از پاپيروس وستکار<sup>۱۳</sup> که اکنون در برلین است و تصور می‌شود طی سلسله دوازدهم (۱۷۸۵ - ۲۰۰۰ ق. م) نوشته شده باشد، گرفته شده‌اند.

- |                               |                              |             |
|-------------------------------|------------------------------|-------------|
| 1. The Great queen Hatshepsut | 2. The Princes and the Demon |             |
| 3. Khnemu of the Nile         | 4. Elephantine               |             |
| 5. Ra and his Children        | 6. Horus the Avenger         |             |
| 7. The Land of the Dead       | 8. Edfu                      | 9. Plutarch |
| 10. Abydos                    | 11. The Golden Lotus         |             |
| 12. Teta the Magician         | 13. Westcar                  |             |

داستان دو برادر<sup>۱</sup> را احتمالاً آنا<sup>۲</sup>، کاتب محبوب فرعون سنی دوم (حدود ۱۲۰۰ ق. م)، نوشته است؛ دهقان و کارگر<sup>۳</sup> در چندین پاپیروس آسیب دیده با تاریخ نامعینی آمده است که می توان برای دستیابی به یک روایت کامل آنها را پهلوی هم گذاشت؛ داستان ملاح کشتی شکسته<sup>۴</sup> نیز بسیار کهن است و حتی ممکن است تاریخ آن به سلسله دوازدهم برسد - هرچند کارشناسان برجسته دربارهٔ زمان این پاپیروس که اکنون در مسکو است، اختلاف نظر دارند.

س - اوزیریس و نامهٔ سر به مهر<sup>۵</sup>، کتاب تهوت<sup>۶</sup>، ماجراهای سینوهه<sup>۷</sup> و گرفتن جویا<sup>۸</sup> همه از دست نوشته های قدیمی هستند که در حدود ۷۱۵ میلادی، هنگامی که خط «عامیانه» جایگزین هیروگلیفهای قدیمی گردید نوشته شده اند. البته تاریخ نوشتن آنها از تاریخی که رونوشت های برجامانده نوشته شده اند قدیمی تر است و احتمالاً به سلسله های نوزدهم یا بیستم، یعنی دوران پس از عصر طلایی رامسس بزرگ می رسد.

سه داستان آخر تنها در روایتهای یونانی محفوظ مانده است. داستان شاهدخت یونانی<sup>۹</sup> را نخستین بار استسی کوراس<sup>۱۰</sup> (حدود ۶۰۰ ق. م) نقل کرده است که تنها بخشهایی از آن باقی مانده است. هرودوت فصلهای چندی به این داستان اضافه کرده و اورپید<sup>۱۱</sup> آن را بنیان یکی از نمایشنامه های خود قرار داده است. اما داستان اصلی بی گمان

1. *The Tale of the Two Brothers*

2. *Ana*

3. *The Peasant and the Workman*

4. *The Story of the Shipwrecked Sailor*

5. *Se-Osiris and the Sealed Letter*

6. *The Book of Thoth*

7. *The Adventures of Sinuhe*

8. *The Taking of Joppa*

9. *The Story of the Greek Princess*

10. *Stesichorus*

11. *Euripides*

مصری بوده، زیرا یونانیان اصلاً از کا<sup>۱</sup> یا همزاد شاهزاده خانم - که در هیچ یک از اسطوره‌ها یا افسانه‌های یونانی اثری از آن نیست - چیزی سر در نمی‌آوردند. این خاستگاه مصری را رایدر هگارد<sup>۲</sup> و اندرو لانگ<sup>۳</sup> به روشنی تشخیص دادند و در داستان خود با نام هوس جهان<sup>۴</sup> که مربوط به روزگار مرنپتاه<sup>۵</sup>، پسر رامسس بزرگ، است از بخشی از آن استفاده کردند. هگارد استفاده بیشتری هم از کا در اثر خویش ستاره صبح<sup>۶</sup> کرده که یکی از بهترین بازآفرینی‌های مصر باستان است که تاکنون نوشته شده است.

دزد خزانه<sup>۷</sup> را هرودوت طی دیدارش از مصر از کسی شنیده و در تاریخ خود آورده است. همچنین درباره دختری با سربایهای گلی<sup>۸</sup> که نخستین روایت سیندرلا به شمار می‌آید، هرودوت از رهودوپس<sup>۹</sup> که تقریباً همزمان او بوده چیزهایی می‌دانسته اما او را با ملکه ماجراجویی که در دوره‌ای قدیمتر زندگی می‌کرده اشتباه می‌گیرد، با این همه در قرن سوم میلادی تمام داستان را یک یونانی دیگر به نام آئلیان<sup>۱۱</sup> در وریا هیسوریا<sup>۱۰</sup> (داستان واقعی) خود آورده است.

و بدین‌سان داستانهای مصر باستان آثار نوشته‌شده در طی بیش از دو هزار سال را بازنمایی می‌کنند که خود این قصه‌ها به چهار هزار و شاید پنج هزار سال پیش برمی‌گردند، البته در صورتی که فرض کنیم داستانهای خدایان از نخستین روزهای اولین فرعونان دهان به دهان نقل می‌شده تا آنکه زوسر و جانشینانش حک کردن این قصه‌ها را روی هیروگلیفهای دیوارهای مقبره‌ها و معبد‌ها آغاز کردند. از میان داستانهای نسبتاً اندکی که از آن دوران دور

- 
- |                              |                                              |                           |
|------------------------------|----------------------------------------------|---------------------------|
| 1. Ka                        | 2. Rider Haggard                             | 3. Andrew Lang            |
| 4. <i>The World Desire</i>   | 5. Merneptah                                 | 6. <i>Morning Star</i>    |
| 7. <i>The Treasure Thief</i> | 8. <i>The Girl with the Rose-red Slipper</i> |                           |
| 9. Rhodopis                  | 10. Aelian                                   | 11. <i>Varia Historia</i> |

بازمانده بهترین آنها در این کتاب گردآوری و بازگو شده است. قدیمی‌ترین داستانهای جهان و در عین حال بیشترشان داستانهایی هستند که به خودی خود هرگز قدیمی نمی‌شوند، حتی اگر پوشش آنها رنگی از دیرینگی و فاصله زمانی داشته باشد؛ داستانهایی که بازتاب و پژواکی از گذشته دور را در ما پدید می‌آورند و به ما اجازه می‌دهند نیم‌نگاهی روشن و وسوسه‌انگیز به جهان از میان‌رفته مصر باستان بیندازیم:

همه باورهای فرو ریخته  
بسان باد در نزارهای لرزان از باد  
در کناره‌های نیل مقدس.